

## ابعاد و دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه از سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ م

جلال میرزائی<sup>۱</sup> - مهدی عباس زاده فتح‌آبادی<sup>۲</sup> - صیاد صدری علی بابالو<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۹

### چکیده

به قدرت رسیدن سیاستمداران توسعه‌گرا موجب تغییر شاخص‌های توسعه‌ی سیاسی و اقتصادی ترکیه در ده سال اخیر شده است. بررسی روند تحولات این کشور نشان می‌دهد که دولت اسلام‌گرا با رهبری حزب عدالت و توسعه در این کشور توانسته است برخی موانع توسعه و رشد اقتصادی را از پیش رو بردارد و در یک دوره‌ی گذار حرکت خود را به سمت توسعه یافتگی ادامه دهد. عامل مهم در این زمینه برنامه‌ریزی برای رشد تولید داخلی بر اساس صادرات به خارج از کشور بوده است. در این زمینه دولت به عنوان عامل بازاریاب برای صنایع تولیدی عمل کرده است و بر طبق هدف خود توانسته است دیپلماسی اقتصادی فعالی را در سطح جهان و منطقه به پیش ببرد. ابعاد دیپلماسی اقتصادی ترکیه بر پایه حل مشکلات با همسایگان، بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی، ارائه راهنمایی به شرکت‌های خصوصی و حضور فعال و موثر در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی قرار دارد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که دیپلماسی اقتصادی در این دوره باعث بهبود قابل ملاحظه‌ی شاخص‌های خرد و کلان توسعه اقتصادی در این کشور شده و اکنون این کشور را در رتبه‌ی شانزدهم اقتصاد دنیا قرار داده است.

**واژگان کلیدی:** دیپلماسی اقتصادی، ترکیه، توسعه، اردوغان، داووداوغلو.

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان [jmirzaee@uk.ac.ir](mailto:jmirzaee@uk.ac.ir)

۲. استادیار علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان [maphdir@gmail.com](mailto:maphdir@gmail.com)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشگاه شهید باهنر کرمان [gizilbera@gmail.com](mailto:gizilbera@gmail.com)

## مقدمه

در قرن بیستم با توسعه ی تکنولوژی و به تبع آن نیاز بازارهای روز دنیا به اجناس و کالاهای مناطق دور جهان، روابط اقتصادی در هم تنیده شد. این روابط با وقوع دو جنگ جهانی مختل شد و پس از جنگ جهانی دوم با پیش آمدن جنگ سرد و به وجود آمدن دو بلوک شرق و غرب، روابط اقتصادی کشورهای جهان به طور عمده‌ای در داخل بلوک خود صورت می‌گرفت و کشورهای داخل هر دو بلوک سعی در تأمین نیازهایشان از کشورهای هم بلوک خود می‌کردند البته این به آن معنی نیست که بین کشورهای دو بلوک هیچ گونه رابطه ی اقتصادی وجود نداشت بلکه به این مفهوم است که روابط گسترده ی اقتصادی بین آنها وجود نداشت اگر هم بود با رعایت ملاحظات امنیتی صورت می‌گرفت و کشورهای تابع ابرقدرت‌ها با نظارت و ریاست رهبران هر دو بلوک به تعاملات اقتصادی اقدام می‌کردند.

این روی کرد البته در بلندمدت خسارت‌های زیادی به خصوص به کشورهای بلوک شرق وارد کرد. در مقابل کشورهای عضو بلوک غرب با توسعه ی روابط هم بلوکی، تا حدودی اقتصاد خود را ترقی دادند و راه مشخصی را جهت توسعه در پیش گرفتند. با پایان جنگ سرد و فروپاشی دو بلوک، ضربه ی مهلکی به کشورهای عضو بلوک شرق سابق وارد آمد و آنها پس از در پیش گرفتن سیاست نسبتاً مستقل، متوجه عمق جریان شده و از این رو سردر گم شدند. آنها عقب‌ماندگی‌های خود را از چشم رقابت‌های ابرقدرت‌ها دیدند. از سوی دیگر کشورهای غربی با فروپاشی بلوک شرق، مسیر تازه‌ای در جهت برقراری روابط گسترده ی اقتصادی با همه ی کشورها به ویژه کشورهای بازمانده از بلوک شرق در پیش گرفتند. در این دوره تغییرات صورت گرفته در گفتمان بین‌المللی حاکم با شتاب اقتصاد جهانی، اثرات فزاینده سازمان‌های بین‌المللی و ظهور بازی گران جدیدی در اقتصاد و روابط بین‌الملل همراه شد.

بدین ترتیب یک روی کرد جدیدی در روابط بین‌الملل به وجود آمد که دولت‌ها با اولویت اقتصاد، به برقراری روابط گسترده با یک دیگر تلاش کردند و مخاصمات گذشته را کنار گذاشتند و سیاست جدیدی در این فرآیند به وجود آمد و به تدریج گسترش یافت که به آن «دیپلماسی اقتصادی» گفته می‌شود. امروزه دیپلماسی اقتصادی به عنوان روی کردی جدید در سیاست و روابط بین‌الملل شناخته شده و مد نظر همه‌ی کشورهای دنیا است. دیپلماسی اقتصادی امروزه دیگر جنبه‌های سیاست و روابط بین‌الملل را به شدت تحت تأثیر گذاشته به طوری که سیاست خارجی کشورهای مختلف را در خدمت اهداف اقتصادی قرار داده است.

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی که تلفیقی از تجزیه و تحلیل کیفی و کمی استفاده شده است و شیوه‌ی گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. با مفروض پنداشتن تحولات بالا و استفاده از ظرفیت دیپلماسی برای توسعه‌ی اقتصادی، به بررسی دیپلماسی اقتصادی ترکیه در سال‌های بین ۲۰۰۳ م تا ۲۰۱۳ م یعنی دوره‌ی نخست وزیری رجب طیب اردوغان پرداخته شده است. پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح بوده‌اند عبارتند از: ابعاد و کیفیت دیپلماسی اقتصادی در ترکیه در دوره‌ی یاد شده چگونه است؟ دستاوردهای این دیپلماسی برای ترکیه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی چه بوده است؟ فرضیه‌های پژوهش در خصوص پرسش اول این که دیپلماسی اقتصادی ترکیه در دوره‌ی پیش گفته بر اساس چهار محور؛ حل مشکلات با همسایگان، بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی و دیپلمات‌های خبره، ارائه راهنمایی به شرکت‌های خصوصی برای استفاده از قابلیت‌های آن‌ها و عضویت فعال و موثر در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی بوده است. در خصوص پرسش دوم نیز فرضیه‌ی پژوهش این است که دیپلماسی اقتصادی ترکیه باعث بهبود شاخص‌های خرد و کلان توسعه اقتصادی در کشور ترکیه شده است. به عبارت دیگر دولت با به کارگیری دیپلماسی اقتصادی در راستای اهداف اقتصادی داخلی،

چرخ اقتصاد این کشور را به راه انداخته است و با اجرای یک نوع دیپلماسی صادرات محور، تولید ناخالص داخلی را در سال ۲۰۱۲م به بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار رسانده و این کشور را به شانزدهمین قدرت اقتصادی دنیا تبدیل کرده است.

### ۱. مبانی نظری در دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم ترین ابزارهای دولت ها برای پیشبرد اهداف بلند مدت توسعه ی اقتصادی و اجتماعی است. در وضعیت موسوم به جهانی شدن کوشش دولت ها برای دست یابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی است که مستلزم بهره گیری مناسب از فن دیپلماسی برای افزایش فرصت ها در زمینه ی جذب سرمایه های خارجی، انتقال تکنولوژی، صدور خدمات و گسترش تجارت خارجی است. برگجک و مونز، در مورد دیپلماسی اقتصادی چنین می گویند: «می توانیم دیپلماسی اقتصادی جدید را مجموعه ای از فعالیت های مرتبط با فعالیت های خارج از مرزهای اقتصادی (صادرات، واردات، درآمد، وام، مساعدت، مهاجرت) تعریف کنیم که به وسیله بازی گران دولتی و غیردولتی تعقیب می شوند». آن ها شاخص های آن را مرکب از این اصول می دانند: «استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای ترفیع و یا تأثیرگذاری بر تجارت بین الملل، استفاده از دارائی ها و روابط اقتصادی برای افزایش هزینه منازعه». (Moons, 2009)

به طور کلی مبنای دیپلماسی اقتصادی بر همکاری دو یا چندجانبه میان کشورها، سازمان ها و دیگر بازی گران بین المللی است و در این راستا سیاست به اقتصاد کمک می کند و موانع همکاری های اقتصادی را می کاهش دهد. در این پروسه فنون مختلفی از همکاری های فنی گرفته تا روابط مالی صورت می گیرد «به طور سستی اهداف اصلی دیپلماسی، همکاری در سطح بین المللی و تأمین صلح بوده است. بنابراین تغییرات عمیق جهانی که ما در دوره های اخیر تجربه کرده ایم این اهداف را تغییر داده است و نقش برتری

را برای روابط اقتصادی بین‌الملل به وجود آورده است. در نتیجه آن چه به عنوان دیپلماسی اقتصادی می‌شناسیم به همان اندازه بیشترین اولویت هر سیاست خارجی را نشان می‌دهد.» (Salarich, 2011: 8)

در واقع در فضای وابستگی متقابل پیچیده، روابط اقتصادی تا حد زیادی موجب پایداری صلح و امنیت بین‌الملل شده است، امنیتی که تا چندی پیش به وسیله نیروهای مسلح تعریف می‌شد اکنون توسط نیروهای متعدد و ناامنی‌های اقتصادی به چالش کشیده شده است. «در دوره ما مفهوم دیپلماسی به طور ذاتی تغییر یافته است. کارشناسان آن را به عنوان استفاده از نفوذ سیاسی توسط دولت‌ها برای ترفیع منافع اقتصادی‌شان در بازارهای بین‌المللی تعریف می‌کنند. در این مفهوم استاد علوم اقتصادی، «خاویر موریلا» ادعا می‌کند که دیپلماسی اقتصادی جانشین دیپلماسی سیاسی مرسوم نشده است بلکه در جهت یک بخش جدا نشدنی از آن به کار گرفته شده است. بنابراین دیپلماسی اقتصادی درباره‌ی آزادی صادرات و سرمایه‌گذاری در آن سوی مرزهای ملی به مذاکره می‌پردازد.» (Salarich, 2011: 8) به همین دلیل است که صلح بر پایه‌ی اقتصاد و همکاری‌های دسته جمعی دو و چندجانبه با ثبات‌تر از صلح بر پایه نیروی نظامی است. این مسائل همه‌ی اعضای نظام بین‌الملل را به فکر بیشترین بهره‌برداری از این فرصت به وجود آمده، انداخته است.

به طور کلی در این عرصه به نوعی جنگ پنهان همه علیه همه، با وجود همکاری همه با هم دیگر وجود دارد. این تحولات بسیار عمیق هشیاری دولت‌ها را باعث شده است که در این مسابقه عقب نیفتند و به دنبال بازارهایی در سراسر جهان باشند که در این مرحله با به کارگیری روابط سیاسی در راستای اقتصاد، دیپلماسی رخ می‌نمایاند و در خدمت توسعه‌ی اقتصاد داخلی قرار می‌گیرند. «ساموئل هانتینگتون» نیز معتقد است که در جهانی که احتمال منازعه‌ی نظامی بین بازی‌گران نظام بین‌الملل وجود ندارد، قدرت اقتصادی به طور فزاینده‌ای در تعیین برتری یا فرودستی و فرمانبردای اهمیت خواهد داشت. او در

بحث از رابطه‌ی تجاری ژاپن و آمریکا، مکرر از استعاره‌های نظامی استفاده می‌کند. بر این اساس راهبرد ژاپن یک راهبرد جنگی در حوزه‌ی اقتصادی و بازاریابی خارجی است. راهبرد، رفتار و بیانیه‌های ژاپن همگی حاکی از جنگ سرد بین ژاپن و ایالات متحده است. با توجه به این که دیگر عامل اصلی موفقیت اقتصادی سرزمین یا صنایع سنگین سستی نیست بلکه عامل اساسی نوآوری تکنولوژیکی و تولیداتش است. (شیهان، ۱۳۸۸: ۹۶)

با پیوند دو حوزه داخلی و خارجی و کثرت منافع و بازی گران روی کردهای دیپلماسی اقتصادی شکل جدیدی به خود گرفته است و عوامل مختلفی روی آن تأثیر می‌گذارند. بازی گران درگیر در دیپلماسی شامل طیف گسترده‌ای از نقش‌آفرینان می‌شوند. مانند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های ملی یا فراملی و چندملیتی، سازمان‌ها یا بازی گران غیر دولتی ملی یا فراملی و اشخاص معروف جهانی.

بنابراین دیپلماسی اقتصادی در پی ادغام منافع ملی در حوزه‌ی سیاست خارجی و بازرگانی خارجی است تا ابزار دیپلماتیک را به شیوه‌های مختلف در خدمت تولیدکنندگان داخلی قرار دهد. «از دیپلماسی اقتصادی به عنوان فن ارتباط سیاست خارجی و اقتصاد داخلی... یاد می‌کنند. در واقع از این دیدگاه، دیپلماسی اقتصادی یعنی به خدمت گرفتن سیاست خارجی در نیل به اهداف اقتصاد داخلی. یعنی دادن اولویت لازم به یک فعالیت دیپلماتیک برای حمایت از گسترش خارجی اقتصاد. از این دیدگاه، دیپلماسی اقتصادی یعنی این که از طریق بازاریابی و استخراج فرصت‌های تجاری جهت بازرگانی خارجی، سرمایه‌گذاری و بین‌المللی کردن بنگاه‌های اقتصادی و فضاسازی برای صنعت توریسم کشور بتوان فعالیت را هدایت نمود». (فرجی راد، ۱۳۸۳: ۲۸)

به نظر می‌رسد در تعامل با مسائل ناشی از جهانی شدن و یا با نفوذ فزاینده‌ی سازمان‌های تدوین‌گر استانداردهای اقتصاد بین‌الملل نظیر سازمان جهانی تجارت، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات، سازمان بین‌المللی کار و ...

دیپلمات‌های متخصص در دیپلماسی اقتصادی و تجاری به گونه‌ای موثرتر می‌توانند به تأمین منافع ملی کشورشان کمک کنند. بر این اساس وزارت خانه‌های امور خارجه باید ظرفیت‌های سازمانی خود را برای مواجهه و تعامل با بازی گران غیردولتی و سایر وزارت خانه‌های رقیب حکومتی به گونه‌ای افزایش دهند که بتوانند در فضای پیچیده و مرزهای هم‌پوشان اقتصادی و سیاسی در چارچوب فضای جریان‌ها عمل کنند. (موسوی شفائی، ۱۳۸۶: ۴۷)

با توجه به تعاریف بالا می‌توان مولفه‌های دیپلماسی اقتصادی را به صورت زیر برشمرد:

- استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای تعاملات اقتصادی و یا تأثیرگذاری بر تجارت بین‌الملل؛
- استراتژی اقتصادی مبتنی بر توسعه صادرات؛
- همکاری دو یا چند جانبه میان کشورها، سازمان‌ها و دیگر بازی گران بین‌الملل؛
- بازاریابی و جستجوی فرصت‌های تجاری جهت بازرگانی خارجی، سرمایه‌گذاری و بین‌المللی کردن بنگاه‌های اقتصادی؛
- همکاری بسیار نزدیک بخش خصوصی و شرکت‌های فعال با وزارت امور خارجه و هماهنگی با آن؛
- استفاده از عوامل انسانی متخصص و کارکشته.

## ۲. دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه

دولت ترکیه به نخست وزیر رجب طیب اردوغان بعد از پشت سر گذاشتن بحران‌های تورم و رکود در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ م در سال ۲۰۰۳ م روی کار آمد. این دولت بعد از استقرار گروهی از کارشناسان را مسئول کرد تا با بررسی موقعیت ترکیه از ابعاد مختلف،

راه‌های برون رفت از وضعیت وخیم موجود (۲۰۰۳م) را پیشنهاد دهد که هیأت یادشده «طرح توسعه مقدماتی و ملی سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶م» را ارایه کرد که براساس آن هدف این برنامه عبارت بود از ارتقای ساختارهای رقابتی ترکیه که تضمین کننده رشد پایدار صادرات هستند. اهداف اولیه برنامه اتخاذ تصمیم پیرامون تنگناهای صادرات بود که برطرف کردن موانع فعالیت شرکت‌های ترکیه - به ویژه توسعه ی آن‌ها می‌توانست به بهبود مزیت‌های رقابتی پایدار شرکت‌های کوچک و متوسط منجر شود و راه حل‌هایی برای رفع مشکلات آن‌ها بیابد به گونه‌ای که حضور آن‌ها در بخش صادرات مستمر باشد. (مجمع جهانی توسعه صادرات، ۱۳۸۸: ۱)

دولت با به کارگیری دیپلماسی اقتصادی در راستای اهداف اقتصادی داخلی، چرخ‌های اقتصاد این کشور را به راه انداخت و در نتیجه‌ی آن تولیدات داخلی راهی برای رسیدن به بازارهای کشورهای سراسر جهان یافتند و متعاقب آن تولید داخل و بازارهای داخلی آن رونقی مضاعف را تجربه کردند. در این دوره سرمایه گذاری های مستقیم خارجی نیز به پویائی و تحرک اقتصاد داخلی و خارجی این کشور کمک کردند و تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۲ م به رقم ۸۰۰ میلیارد دلار نزدیک شده است. طبق اعلام ظفر چاغلایان، وزیر اقتصاد ترکیه در این کشور با اجرای سیستم تشویقی، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در هفت ماه اول سال ۲۰۱۳م در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن، ۳۱ درصد افزایش یافته است و «ترکیه تنها کشوری است در جهان که از جذاب‌ترین سیستم تشویق به سرمایه‌گذاری برخوردار است». ([www.trtpersian.com](http://www.trtpersian.com))

سیاست خارجی اقتصاد محور ترکیه در دوره‌ی اردوغان با اندیشه‌های احمد داووداوغلو گره خورده است. به طوری که «بحث در مورد سیاست خارجی جدید ترکیه از سال ۲۰۰۳ م به بعد بدون اشاره به احمد داووداوغلو غیرممکن است». (N. Grigoriadis, 2010: 4) وی با تشبیه ترکیه به انسان معتقد است که داشتن عضلات



قوی نمی‌تواند همراه با معده‌ی ضعیف، قلب مشکل‌دار و یک مغز متوسط باشد. بنابراین باید در سراسر کشور فعالیت‌های اقتصادی به صورت برابر صورت گیرد (The Economist, 2007: 15, 11) تا از این طریق انسجام ملی ترکیه تامین شود.

او با بهره‌برداری از نظریه‌ی قدیمی هارتلند، ترکیه را به عنوان «سرزمین اصلی با هویت‌های چندگانه منطقه‌ای که نمی‌تواند به یک نقش تک‌گانه بسنده کند» (Kaplan, 2011: 2) تعریف کرد. بر این اساس ترکیه یک بازی‌گر اصلی در عرصه‌ی بین‌المللی است که در منطقه‌ی نزدیک به مرکز بالکان، خاورمیانه و قفقاز و به طور کلی اوراسیا و نیز در کنار منطقه‌ی کمر بند مدیترانه به سوی پاسیفیک قرار گرفته است و دریای سیاه، مدیترانه‌ی شرقی، دریای خزر و خلیج فارس به عنوان حوزه‌های طبیعی دریانوردی ترکیه محسوب می‌شوند. (Murinson, 2006: 952)

گرچه آثار اولیه‌ی وی بر پایه‌ی مدل منسوخ ژئوپولوتیکی استوار بود اما نظریه‌ی او تغییرات مهمی را از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰م در سیاست خارجی ترکیه و رهبران حزب حاکم به وجود آورد. علاوه بر این اگرچه ژئوپولوتیک نقش کلیدی را در تفکر داووداوغلو بازی می‌کرد اما به وسیله‌ی اصول لیبرالی از قبیل قدرت نرم، حل منازعات و پیشرفت بر پایه‌ی برد-برد مسائل خارجی این کشور تکمیل شدند. (N.Grigoriadis, 2010: 4) بنابراین عمق استراتژیک ترکیه نزد او مجموعه‌ای از چشم‌اندازها و آگاهی‌های گسترده را برای تقویت بازی‌گری ترکیه در عرصه‌ی بین‌المللی با توجه به تجربیات تاریخی امپراطوری عثمانی فراهم کرد. (Herzog, 2009: 1)

داووداوغلو در سال ۲۰۰۱م، هنگامی که هنوز یک مشاور پایین رتبه در وزارت خارجه بود کتاب «عمق استراتژیک: موقعیت ترکیه در نظام بین‌الملل» را منتشر کرد و ایده‌ای را تشویق کرد که کشورها به سوی اقتصاد صادرات محور در حال حرکتند و آن‌ها باید سیاست خارجی خود را با احتساب آن اتخاذ کنند. به ویژه او یادآور شد که دیپلماسی

اقتصادی صادرات محور باید بر جستجوی بازارهای خارجی جدید برای محصولات داخلی و ایجاد بستر جهت واردات کالاهای اصلی تمرکز یافته باشد. این کتاب به وسیله‌ی رهبران مختلف در حکومت ترکیه به طور گسترده خوانده شد و پایه‌ی اصلاحاتی را که موجب تسریع تغییر در سیاست اقتصادی با تمرکز ویژه بر خاورمیانه و آسیای میانه شد، تشکیل داد و یک تغییر استراتژیک را در آن سوی بازارهای اروپا به وجود آورد.

(SIPA, 2012: 76)

به کارگیری دیپلمات‌های ماهر انجام این خواسته و تغییر مهم و بلندپروازانه را برای

این کشور امکان پذیر کرد. (Vallée: 69)

در نظر او ترکیه برای تضمین امنیت و ثبات خود، بایستی بیشترین فعالیت را در مجاور مرزهای خود و در فضاهای هم‌جوار آن از طریق دیپلماسی مشارکتی دنبال و به اقتضای هدف خود، صلح و امنیت منطقه‌ای را تضمین کند. هم‌چنین او معتقد است که ترکیه یک کشور متعلق به خاورمیانه، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی، منطقه ی خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه است. در این راستا، ترکیه تلاش کرد سازمان‌های منطقه‌ای موجود، به خصوص سازمان‌های اقتصادی را فعال‌تر کند. (Kaplan, 2011: 2)

در ابتدای کتاب «عمق استراتژیک» (Stratejik Derinlik) در مورد مباحث

استراتژیک بر عنصر انسانی آموزش دیده در تفکر استراتژیک در حوزه‌ی سیاست خارجی و دیپلماسی تاکید می‌شود: «دست‌یابی آلمان و ژاپن به موفقیت اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم و گذر ایالات متحده از بحران اقتصادی سال ۱۹۲۹ م مثال‌هایی از رابطه‌ی بین یکپارچه‌سازی عملکرد عنصر انسانی و استراتژی ملی است». (Davutoğlu, 2001: 5) این یکپارچگی نه‌تنها در داخل، بلکه به حوزه‌ی کلان سیاست‌گذاری خارجی نیز تسری یافته و سیاست‌گذاری خارجی از تصمیم‌گیری‌های آنی بر اساس مفاهیم پوپولیستی به مقوله‌ای علمی برپایه‌ی برنامه‌ریزی دقیق و هدف‌دار تبدیل می‌شود.

از نظر او همه‌ی کشورها می‌توانند ظرفیت‌ها و پارامترهای خود را تغییر دهند ولی نمی‌توانند دو چیز را عوض کنند که یکی جغرافیا و مکان یک کشور است و دیگری تاریخ و زمان. او معتقد است تاریخ مانند جریان رودخانه و سیاست مداران مانند قطراتی در این جریان هستند. سیاست مداران اگر خواهان ایفای نقش در این جریان هستند باید چگونگی آن را درک کنند (Davutoğlu, 2013) این درک، امکان شناخت استراتژیک را برای سیاست مداران فراهم خواهد کرد.

در واقع هدف وزیر امور خارجه ترکیه از نظریه‌ی عمق استراتژیک، به کارگیری دیپلماسی چندبعدی و دخالت دادن همه‌ی مولفه‌های قدرت این کشور در نظام بین‌الملل و در نهایت معرفی ترکیه به عنوان قدرت نرم است. در این راستا ترکیه باید «گام‌های خود را به سمت همه‌ی مناطق هم جوار بردارد و روابط خود را با همه‌ی بازی‌گران بین‌المللی به-ویژه روسیه و چین گسترش دهد؛ نه این که تنها وابسته به روابط با اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده باشد. با ترکیب این معیارهای چندبعدی، نقش ترکیه در مناطقی مانند آسیای مرکزی و خاورمیانه به طور مشخص باید احیا شود». (Herzog, 2009: 2)

با اجرای دکترین عمق استراتژیک، او به دنبال پنج اصل اساسی در سیاست خارجی ترکیه بود که عبارتند از: «توازن داخلی بین امنیت و دموکراسی، رسیدن به مشکل صفر با همسایگان، روابط روزافزون با همسایگان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، سیاست خارجی چندبعدی و دیپلماسی متوازن بین کشورهای غربی و کشورهای در حال توسعه». (Kaplan, 2011: 2)

در دهه‌ی ۱۹۹۰م رابطه‌ی ترکیه با همسایگان خود در بدترین وضعیت ممکن بود تا حدی که در سال ۱۹۹۸م ترکیه به سبب حمایت سوریه از گروه‌های تروریستی فعال در داخل ترکیه، در وضعیت حمله به سوریه قرار گرفت (N.Grigoriadis, 2010: 6) و تنها بعد از قبول شرایط ترکیه از سوی حکومت سوریه وضعیت ثبات نسبی بین طرفین به وجود آمد. رابطه با ایران در کمترین سطح بود. مسأله‌ی قبرس موجب تنش شدید بین

یونان و ترکیه شده بود به گونه‌ای که ارتش این کشور یونان را به حمله تهدید کرد. این اختلافات تحت تأثیر نظامی‌گری در سیاست خارجی ترکیه بود که مشکلات با همسایگان را به بیشترین حد خود رسانده بود و ترکیه خود را میان انبوهی از تهدیدات تصور می‌کرد و بالتبع برای دفاع از خود نقش نیروهای مسلح در تصمیم‌گیری سیاست خارجی چشم‌گیر شده بود و هزینه‌های نظامی در وضعیت بد اقتصادی، این کشور را در شرایط دشواری قرار داده بود تا این که با بحران تورم شدید در سال‌های دهه‌ی ۱۹۹۰م، ترکیه در آستانه‌ی انفجار قرار گرفت. «نرخ تورم در سال ۱۹۹۴م، ۱۰۵ درصد و در سال ۲۰۰۲م، ۴۵ درصد بود». (T.C. Kalkınma Bakanlığı, 2011: 12)

این مسائل موجب نارضایتی مردم از وضعیت موجود در سیاست‌های داخلی و خارجی دولت وقت ترکیه شد و موجبات پیروزی حزب عدالت و توسعه را در سال ۲۰۰۲م به وجود آورد.

وزیر خارجه در مورد مفهوم رسیدن به وضعیت عدم مشکل یا مشکل صفر با همسایگان معتقد است که سیاست مداران ترکیه نیازمند تغییر روح و روان مردم و عدم تحریک آن‌ها هستند. زیرا مدت زیادی در این کشور این ذهنیت وجود داشته است که روس‌ها دشمن قدیمی، یونانیان دشمن معاصر، عرب‌ها خائن و آرامنه برای ترکیه مشکل‌ساز هستند. با این درک روان‌شناختی ترکیه نمی‌تواند در منطقه فعالیت داشته باشد. پس باید درک روان‌شناختی تغییر یابد که تبدیل به تغییر درک از محیط شود و موجب ایجاد اعتماد گردد. گرچه ممکن است حتی در محیط خانواده نیز رسیدن به وضعیت مشکل صفر بین خواهران و برادران سخت باشد. (Davutoğlu, 2013)

دیدگاه‌های او موجب تغییر چشم‌اندازها و به وجود آمدن تصورات جدید در اذهان سیاست مداران این کشور درباره‌ی کشورهای منطقه شد و راه طراحی گزینه‌های جدید در سیاست خارجی را باز کرد. متقابلاً تصمیم‌گیران سیاست خارجی کشورهای منطقه به ویژه

خاورمیانه، بالکان و روسیه با توجه به ریشه‌ها و شعارهای اسلام‌خواهی و صلح‌جوئی دولت مردان جدید، سیاست خارجی خود را براساس تحولات جدید طراحی کردند و به زودی اعتماد متقابل بین طرفین به وجود آمد و راه برای اجرای سیاست خارجی جدید ترکیه براساس همکاری‌های اقتصادی به دور از مسائل امنیتی هموار شد.

### ۳. عناصر و اجزای دیپلماسی اقتصادی ترکیه

در دوره‌ی ده‌ساله‌ی اخیر در راستای بهبود وضعیت داخلی اقتصادی ترکیه، دولت اقداماتی را در عرصه‌ی دیپلماسی اقتصادی دنبال کرده است که عبارتند از:

الف) دیپلماسی منطقه‌ای بر مبنای عمق استراتژیک و رسیدن به مشکل صفر با همسایگان؛

ب) بهره‌گیری از نخبگان اقتصادی و تاجران در سفرهای مقامات جهت استفاده از مشورت‌ها؛

ج) ارائه راهنمایی به شرکت‌های خصوصی و تجار؛

د) عضویت در هر سازمان بین‌المللی اقتصادی و سیاسی یا تقویت سازمان‌های موجود برای بهره‌گیری از آن‌ها و یا تلاش برای تشکیل سازمان‌های جدید بین‌المللی.

بر مبنای عامل اول، در دوره‌ی حاکمیت حزب عدالت و توسعه، ترکیه تلاش داشته است که اختلافات با همسایگان را به نحوی حل کند. بر این اساس حل اختلافات با ایران، عراق و سوریه چشم‌گیر بوده است. هم‌چنین میانجی‌گری در مذاکرات صلح بین اسرائیل و سوریه و نیز گردهم‌آوردن رهبران کشورهای منطقه بالکان از جمله اقدامات دولت است. (Kutlay, 2011: 67) این کشور حکومت عراق را برای ایجاد ثبات در داخل یاری و به برقراری رابطه‌ی سیاسی با حکومت خودمختار کردستان در شمال عراق اقدام کرد تا بتواند مشکل شبه نظامیان پ.ک.ک را در داخل خاک ترکیه حل کند. بر این اساس ترکیه سعی دارد با کردهای جنوب شرق کشور که از سال ۱۹۸۵ م علیه دولت اقدامات مسلحانه انجام

می‌دهند، به توافق برسد و شعار «صلح در میهن، صلح در جهان» را که منسوب به «مصطفی کمال آتاترک» است، محقق کند. دولت در ماه مارس ۲۰۱۳ با «عبدالله اوجالان» رهبر این گروه به توافق رسید که صلح با کردهای مخالف برقرار شود. این معامله را بسیاری از سیاستمداران «قمار بزرگ اردوغان» نامیده‌اند. (BBC .Türkçe, 22.03.2013) هم چنین دولت ترکیه به برقراری رابطه‌ی سیاسی هرچند محدود با ارمنستان اقدام کرد که ادعای «نسل کشی ارمنه» را در سال ۱۹۱۵ م بر علیه ترکیه ابراز کرده است. طرفین در سال ۲۰۰۹ م موافقت نامه‌ای تاریخی در زمینه‌ی ایجاد روابط به امضا رساندند. (N. Grigoriadis, 2010: 7-8)

بر مبنای عامل دوم، دیپلماسی اقتصادی ترکیه حول محور مشارکت بازاری گران خصوصی به دو نحو شکل گرفته است: نوع اول، شرکت در سفرهای خارجی همراه با مقامات رسمی عالی‌رتبه و نوع دیگر، ارتباط با مقامات سیاسی و مشارکت در امضای قراردادهای اقتصادی ترکیه با کشورهای خارجی است. (Atlı, 2011: 4-5) از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۳ تا پایان سال ۲۰۱۳، اردوغان ۳۲۵ بار به کشورهای مختلف جهان سفر نمود (<http://www.basbakanlik.gov.tr>) در همه‌ی سفرهای دیپلماتیک او، اهداف اقتصادی اولویت بالاتری نسبت به دیگر اهداف داشته است.

بر اساس شاخص سوم، دولت ترکیه با تقویت دو اتحادیه‌ی بزرگ اقتصادی یعنی تئوسید و توسکان، امکانات و ظرفیت‌های نمایندگی‌های خود در خارج را در اختیار آنها قرار داد و از بین آنها مشاورانی برای خود برگزید. هم چنین این کشور برای تقویت شرکت‌های کوچک و اشخاص حقیقی نیز اقدامات موثری انجام داد به طوری که هنگام مسافرت مقامات این کشور به خارج، تعداد زیادی از تاجران و صادرکنندگان را با خود همراه می‌کنند.

بر مبنای شاخص چهارم، نیز ترکیه چندین کنسرسیوم منطقه‌ای برای افزایش تجارت در این منطقه به وجود آورد که شامل «همکاری اقتصادی دریای سیاه» و «انجمن

همکاری دولت های ترک» می شوند. هم چنین روی کرد این کشور در حل و فصل مخاصمات منطقه ای بسیار فعال بوده است به طوری که در حمله ی آمریکا به عراق برای برداشتن عامل بی ثباتی منطقه که از نظر ترکیه «صدام حسین» بود، این کشور پایگاه «اینجیرلیک» را در اختیار آمریکا قرار داد.

در آگوست سال ۲۰۰۸ م موقعی که روسیه به گرجستان تهاجم کرد، دولت ترکیه در یک وضعیت عمل انجام شده قرار گرفت اما فعالانه برای آتش بس میان طرفین کوشش کرد و رجب طیب اردوغان برای حل مسأله، هنگام جنگ به هر دو کشور سفر کرد و آن ها را به ترک مخاصمه تشویق کرد و نیز « پلاتفرم ثبات و همکاری قفقاز » را به طرفین ارایه کرد تا موجب دور شدن خشونت در اطراف مرزهای خود شود. بر اساس این طرح کشورهای ترکیه، روسیه، گرجستان، آذربایجان و ارمنستان در داخل یک سازمانی مطرح شدند که سابق تخاصم دیرینه ای داشتند. (<http://www.zaman.com.tr>) داووداوغلو در این مورد می گوید: « ما برای رسیدن به توافق در جنگ روسیه و گرجستان ایجاد پلاتفرم ثبات و همکاری قفقاز را برای گرد هم آمدن همه ی کشورها ارایه کردیم». (Davutoğlu, 2009)

تفکرات دولت مردان و نیز ابتکارات بخش اقتصاد و تجارت آن کشور نشان می دهد که دیپلماسی اقتصادی دولت ترکیه بر سه هدف اصلی تمرکز یافته است:

۱. جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی برای تقویت بخش تولید داخلی؛
۲. ایجاد اشتغال در داخل و در نتیجه بهبود و افزایش استانداردهای اقتصادی این کشور؛
۳. استفاده از توانایی اقتصادی ترکیه برای افزایش نفوذ در منطقه به عنوان قدرت نرم و نیمه سخت.

«هدف رسمی ترکیه؛ اتحادیه ی اروپا، اتحادیه ی عرب و ایالات متحده است. ترکیه هنوز می خواهد از اتحادیه ی اروپا بهره برداری کند و حتی هنوز نیمی از صادراتش را به

آن منطقه انجام می‌دهد. بنابراین ترکیه در تلاش برای متنوع کردن بازارهای صادراتی خود با تمرکز اولیه‌ی آن بر کشورهای عربی به ویژه عراق و سوریه در طول دهه‌ی گذشته بوده است. هم‌چنین این کشور بر حوزه‌ی کوچک تر در روسیه و کشورهای دریای خزر تمرکز کرده است». (SIPA, 2012: 76)

### ایجاد و تقویت سازمان‌های منطقه‌ای

سیاست مداران ترکیه به سازمان‌های بین‌المللی به عنوان اهرم تقویت‌کننده‌ی روابط اقتصادی خود نگاه می‌کنند و در صدد بهره‌برداری از فرصت‌های همکاری با آن‌ها بوده‌اند. «شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان» با توافق نامه‌ی نخجوان بین کشورهای ترکیه، قزاقستان، آذربایجان، قرقیزستان و ترکمنستان برای افزایش حجم همکاری‌های میان اعضا، در سال ۲۰۰۹ م در نشست نخجوان تأسیس شد. البته ترکمنستان تا سال ۲۰۱۳ م عضو نشده است ولی در جلسات سازمان شرکت می‌کند. اقدامات شورا بیشتر توسط ترکیه هدایت می‌شود و فعالیت‌های آن علاوه بر مسائل مشترک فرهنگی، زمینه‌های اقتصادی را نیز هدف‌گذاری کرده است. (<http://www.turkkon.org>)

«شورای پارلمانی دولت‌های ترک‌زبان» نیز در نوامبر سال ۲۰۰۸ م طبق توافق نامه‌ای با امضای رؤسای پارلمان‌های آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان و ترکیه با توافق نامه استانبول به وجود آمد. هدف اصلی این شورا، توسعه و هماهنگی همکاری‌های کشورهای عضو به لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... است که مقر آن در باکو قرار دارد. (<http://www.turk-pa.org>) بازی‌گر اصلی در این شورا ترکیه است و اهداف آن بیشتر بر پایه‌ی اهداف ترکیه طرح‌ریزی شده است.

سازمان «همکاری اقتصادی دریای سیاه» متشکل از آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بلغارستان، گرجستان، یونان، مولداوی، رومانی، روسیه، اوکراین و ترکیه که در سال ۱۹۹۲



م به وجود آمد، در دوره‌ی دولت اسلامگرا شاهد بیشترین فعالیت خود است. این سازمان‌ها از نظر تغییرات انسانی، فرهنگی، صندوق‌های توسعه و برنامه‌های تحقیقی توسعه یافته‌اند. اعضا هم چنین مذاکرات حمایتی را برای پیوندهای حمل و نقل بین کشورهای عضو در حمایت از تجارت افزایش داده‌اند و به الزامات ویزا برای مسافرت بین کشورهای عضو پایان بخشیده‌اند. تعاملات دانشگاهی و علمی از رشد صنعتی و کشاورزی پشتیبانی کرد و موجب افزایش تجارت کالاهای کشاورزی بین ترکیه و دولت‌های عضو همکاری اقتصادی دریای سیاه شد. (SIPA, 2012: 78) در سال ۲۰۰۸ م هم چنین دو سازمان دیگر به نام‌های «شورای همکاری منطقه‌ای» متشکل از کشورهای اروپای شرقی، بالکان و ترکیه و «اتحاد برای مدیترانه» شامل کشورهای منطقه‌ی مدیترانه و اعضای اتحادیه‌ی اروپا (۴۳ عضو) با مشارکت ترکیه تأسیس شدند. (<http://www.mfa.gov.tr>)

#### ۴. دیپلماسی اقتصادی و بازتاب آن در توسعه یافتگی ترکیه

تجارت و ابزارهای اقتصادی در سیاست خارجی ترکیه اولین بار در دوران «تورقوت اوزال» در دهه‌ی ۱۹۸۰ م به کار گرفته شد. او نمایندگان بخش خصوصی را در سفرهای خارجی با خود همراه می‌کرد اما در دوره‌ی حکومت حزب عدالت و توسعه سطح گسترده‌ای از تجارت و سرمایه‌گذاری به عنوان ابزار سیاست خارجی به یک الگوی نهادینه‌شده تحول یافت. با توجه به دو فاکتور ظهور اسلام سیاسی و ایجاد مراکز صنعتی جدید در آناتولی، طبقه‌ی تجاری جدیدی به وجود آمد که انجمن‌های خاص خود از قبیل «کنفدراسیون تجار و صنعت‌گران ترکیه» را به وجود آوردند. (Atli, 2011: 3-4) مقامات ترکیه برای هدایت این انجمن‌ها در سیاست خارجی، در سفرهای خود اعضای آن‌ها را با خود همراه کردند و موجبات آشنایی تجار ترکیه با پتانسیل‌های همکاری با بخش‌های اقتصادی کشورهای خارجی را فراهم کردند.

قبل از این که دولت اسلام گرا بر سر کار آید، طبقات اقتصادی و صنعتی ترکیه آماده‌ی ایفای نقش در سیاست خارجی بودند. آن‌ها از سیاست‌های ژئوپولوتیکی دولت ترکیه در طی دهه ۱۹۹۰ م ناراضی بودند و وضعیت وخیم اقتصادی این کشور را ناشی از نظامی‌گری دولت‌های این کشور می‌پنداشتند. بر این اساس «انجمن صنایع و کارفرمایان ترکیه» در سال ۲۰۰۰ م با انتشار استراتژی مورد نظر خود در گزارش «به سوی اقتصاد نوین و دیپلماسی تجاری در ترکیه» از نقش اصلی منافع اقتصادی در شکل دادن به سیاست خارجی ترکیه با شعار «ژئوپولوتیک کمتر، اقتصاد بیشتر» طرفداری و پیشنهاد گام‌های مشخص برای نهادینه‌کردن این استراتژی ارایه کردند. (Ögürücü & Saner, 2008: 2) بعد از روی کار آمدن دولت اردوغان این طبقه درخشید و از بازوی اقتصادی سیاست خارجی این کشور پشتیبانی کرد تا «پارادایم سیاست جهانی» براساس عدم چارچوب دولت‌محوری و بیشتر براساس مشارکت بازی گران دولتی و خصوصی در سیاست خارجی ترکیه تحقق یابد. (Kutlay, 2011: 71)

به جهت این که اقتصاد، انگیزه و عامل اصلی در تحرکات دیپلماتیک ترکیه از سال ۲۰۰۳ م به بعد بوده است. «سیاست خارجی ترکیه در چند سال گذشته توسط ملاحظات اقتصادی مانند بازارهای صادرات، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، توریسم، انرژی و مانند این‌ها شکل گرفته است. سیاست خارجی تبدیل به مسأله‌ای داخلی شده است که نه تنها به دلیل مشارکت دموکراتیک، هویت و جامعه مدنی، بلکه به دلیل ایجاد اشتغال و ثروت نیز بوده است. (Kırışçı, 2009: 39)

در این فرآیند، دولت بدون آن که اختیارات خود را به این انجمن‌ها تفویض کند، مجموعه‌ی قواعد همکاری خود با بخش خصوصی را تنظیم کرد و از این طریق آن‌ها را در سیاست‌گذاری خارجی دخالت داده است. به عبارت دیگر سازمان مشخصی برای هماهنگی بین دولت و بخش خصوصی ایجاد نشده است و همه‌ی فعالیت‌های آن‌ها توسط

دولت تصویب و تصریح می‌شود. نمایندگان بخش خصوصی به طور دائمی در کمیسیون‌های مشترک بین دولتی که یک طرف آن ترکیه است، شرکت داده می‌شوند. (Atlı, 2011: 5) از این جهت دیپلماسی اقتصادی ترکیه نه تنها حاصل سیاست‌های دولت این کشور در عرصه‌ی روابط خارجی خود است بلکه ناشی از فعل و انفعالات شرکت‌های بزرگ اقتصادی و به‌ویژه اتحادیه‌ها و انجمن‌های مربوط به آنهاست.

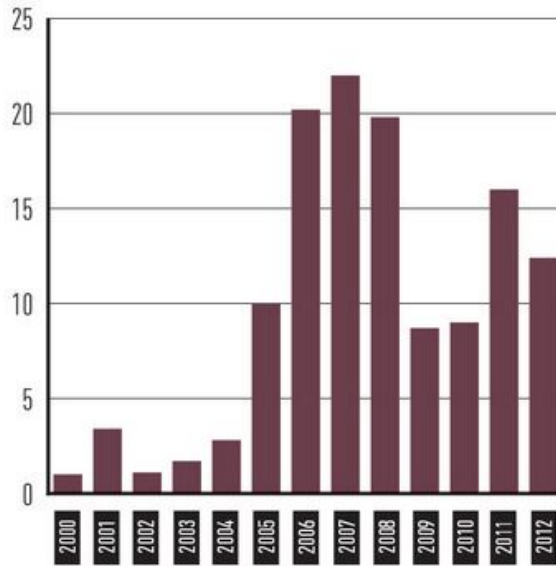
توسعه‌ی شرکت‌های خصوصی در ترکیه در این دوره، دولت را با فشارهای مضاعفی برای ایجاد فعالیت برای آنها چه به صورت بازاریابی در خارج و چه به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم از خارج روبه رو کرده است. این طبقه‌ی نوظهور سرمایه‌دار و صنعت گر که «بهرهای آناتولی» نامیده می‌شوند، سیاست مداران را به تغییر روی کردهای خود، به‌ویژه در برابر خاورمیانه و آسیای مرکزی وادار کردند. (Kutlay, 2011: 71) «کنفدراسیون تجار و صنعت گران ترکیه» به رغم این که عمر کوتاهی از تأسیس آن در سال ۲۰۰۵ م می‌گذرد، به سبب روابط نزدیک با دولت، به یک سازمان موثر در سیاست خارجی این کشور تبدیل شده است و باعث رونق رقابت بین سازمان‌های اقتصادی غیردولتی این کشور و در نتیجه فعال‌بودن بسیاری از آنها در تجارت با خارج گردیده‌اند. این مسأله تا حدی است که در بسیاری از قراردادهایی که ترکیه امضا می‌کند، اعضای این اتحادیه‌ها حضور دارند. بنابراین هم نخست‌وزیر و هم رئیس جمهور در سفرهای خارجی خود آنان را با خود همراه می‌کنند. (Atlı, 2011: 4-5)

در منطقه‌ی خاورمیانه عربی با اینکه ترکیه روابط رسمی دشواری در سال‌های اخیر داشته است، بخش خصوصی این کشور کاملاً فعال بوده است. در آسیای مرکزی و قفقاز نیز شرکت‌ها و بنیادهای خصوصی، ابزار نفوذ ترکیه بوده‌اند. (Ögürcü & Saner, 2007: 17) به طور کلی ۱۷۸ نمایندگی تجاری از طرف شرکت‌های ترکیه در ۱۱۰ کشور، ۱۶۰ نقطه‌ی مکانی و نیز ۶ دفتر فعالیت می‌کنند. (Ministry of Economy, 2014: 68) اگر

دولت ترکیه در روابط خود این شرکت‌ها را نادیده گیرد، به ورشکستگی بسیاری از آن‌ها منجر خواهد شد.

#### ۴-۱. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

یکی از ابعاد مهم دیپلماسی اقتصادی ترکیه، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نیز سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ترکیه در خارج از کشور است. طبق آمار وزارت اقتصاد این کشور از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳م، ۱۳۷ میلیارد دلار سرمایه‌ی خارجی روانه‌ی ترکیه شده است. ([www.invest.gov.tr](http://www.invest.gov.tr)) تا پایان سال ۲۰۱۳م، نزدیک به ۳۶ هزار شرکت خارجی در ترکیه فعالیت داشتند. (<http://blog.tcp.gov.tr>) در مقابل ارزش سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکیه در سه ماهه‌ی اول ۲۰۱۳م به ۳۵ میلیارد دلار رسید و کل سرمایه‌گذاری شرکت‌های ترکیه در خارج از کشور به ۱۸۵ میلیارد دلار رسید. (Sönmez, 2013) این کشور با ۸۲ کشور جهان قرارداد سرمایه‌گذاری متقابل دارد که ۲۷ مورد آن در دوره‌ی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ م بین ترکیه با کشورهای منطقه و جهان امضا شده که موجب تقویت رقابت بخش خصوصی این کشور و طرف مقابل و نیز افزایش آگاهی از پتانسیل‌های تجاری و اقتصادی یک دیگر شده است. (<http://www.economy.gov.tr>)



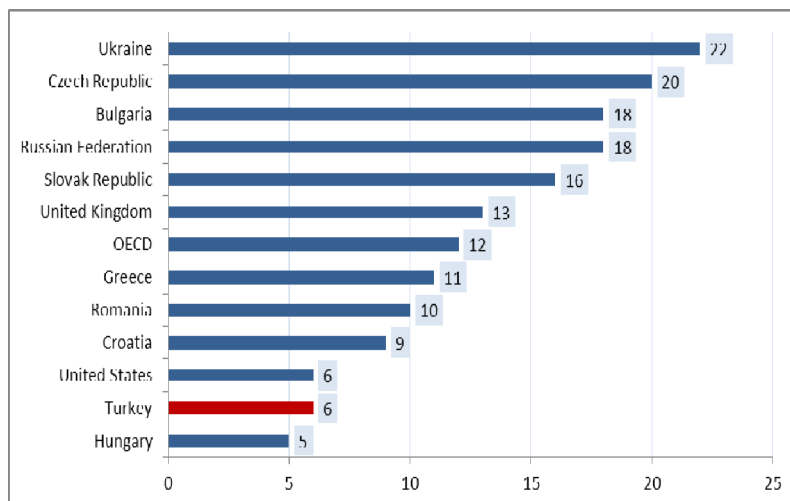
Source: (www.worldfinance.com)

نمودار شماره ی ۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ترکیه ۲۰۱۲-۲۰۰۰ م (میلیارد دلار)

#### ۴-۲. تسهیل فعالیت‌های اقتصادی

دولت ترکیه همراه با تغییرات در سیاست خارجی، به ایجاد تغییر و تحولاتی در سیستم اداری داخلی متناسب با رشد روابط اقتصادی با جهان خارج اقدام کرده است. در سال ۲۰۱۳ م میانگین تعداد روز برای شروع کار تجاری در ترکیه ۶ روز است که کمتر از بسیاری از کشورهای اروپایی و نیز ایران است که طبق آمار بانک جهانی ۲۹ روز می‌باشد. این در حالی است که در سال ۲۰۰۳ م این رقم در ترکیه ۳۸ روز بوده است. این تحول شرایط مطلوب سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی را هم برای بخش داخلی و هم برای سرمایه‌گذاران و شرکت‌های بین‌المللی فراهم آورده است.

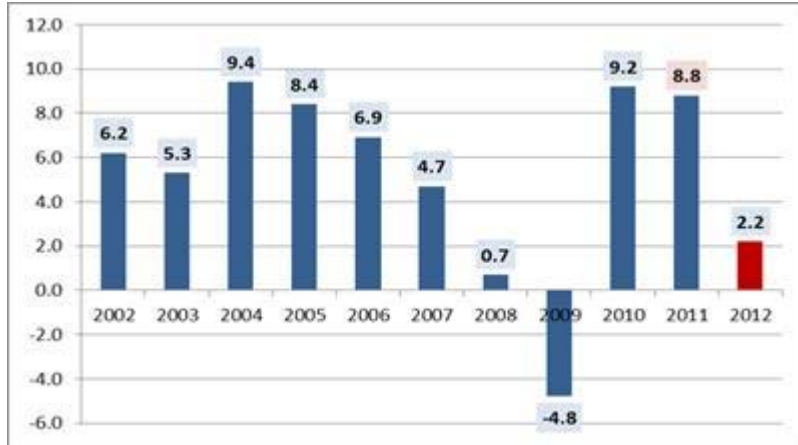
(Ministry of Economy, 2014: 47)



Source: (Ministry of Economy, 2014:47)

نمودار شماره ی ۲. مقایسه‌ی تعداد روزهای مورد نیاز برای شروع کسب و کار در ترکیه با دیگر کشورها

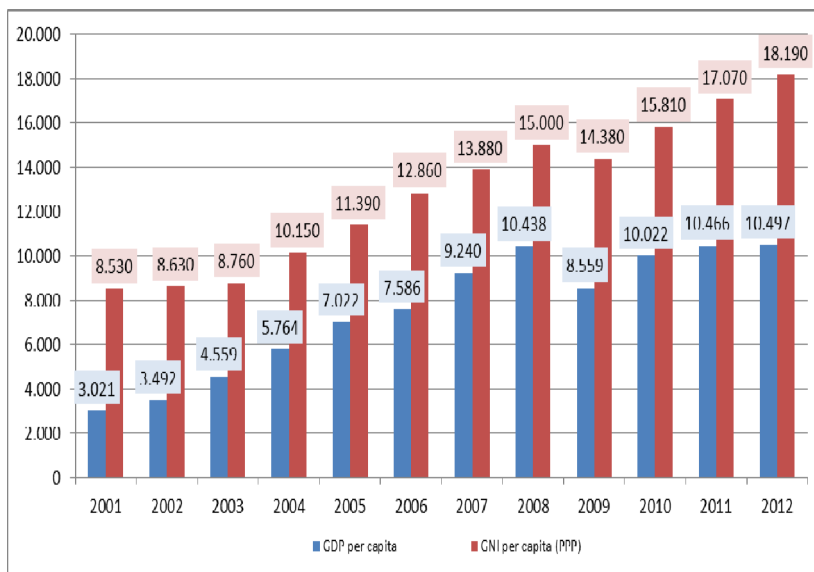
توسعه‌ی اقتصادی دارای شاخص‌های مختلف است که شامل افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، کاهش بیکاری، کاهش تورم، افزایش درآمد سالانه، کاهش فقر و... هستند. دستاوردهای دیپلماسی اقتصادی ترکیه در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی بسیار موفقیت آمیز بوده است. این کشور علاوه بر مطرح شدن در ردیف قدرت‌های اقتصادی جهان (شانزدهم)، توانست در داخل کشور خود نیز به موفقیت‌های زیادی دست یابد. بانک جهانی تغییر چشم گیر شاخص‌های اقتصادی ترکیه را تأیید و این کشور را موفق ارزیابی می‌کند. بر این اساس نرخ فقر در ترکیه در سال ۲۰۰۲، ۲۷ درصد بود که در سال ۲۰۰۷ به ۱۸ درصد کاهش یافت (<http://web.worldbank.org>) هم چنین میزان بدهی این کشور به صندوق بین‌المللی پول که در سال ۲۰۰۲، ۲۳ میلیارد و پانصد میلیون دلار بود در سال ۲۰۱۳ صفر اعلام شد. (<http://www.cnnturk.com/2013>)



Source:(Ministry of Economy,2014:8)

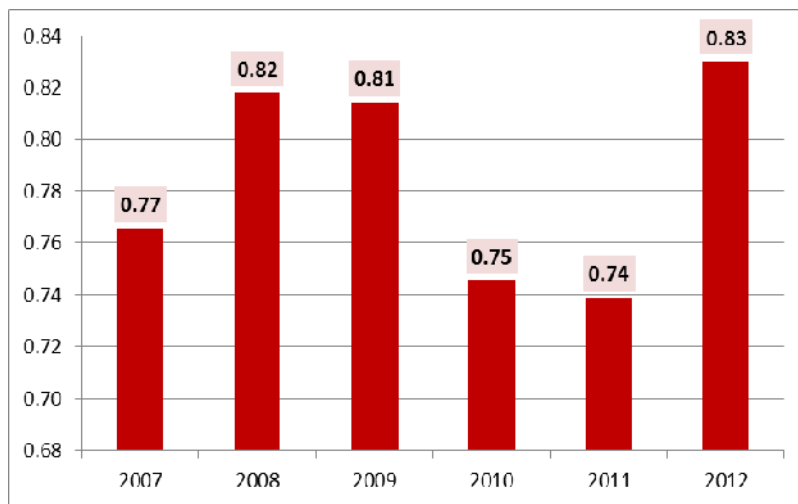
نمودار شماره ی ۳. نرخ رشد سالانه ی ترکیه ۲۰۱۲-۲۰۰۲م (درصد)

بر اساس آمارهای وزارت اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۲م، ۱۹ منطقه ی آزاد تجاری در ترکیه فعال بوده که این امر موجب ایجاد اشتغال برای ۵۶ هزار نفر در این مناطق شده است. (Ministry of Economy, 2014: 8) البته بیشتر مناطق آزاد در نواحی غربی و شمالی این کشور ایجاد شده است و نواحی جنوب شرق به دلیل ناامنی های ناشی از تروریسم دارای حداقل رشد در این زمینه بوده اند و دولت تلاش کرده است برای حل معضل جنوب شرق کشور با گروه "PKK" به توافقی برسد تا این مناطق نیز در مسائل اقتصادی درگیر و راه برای تقویت انگیزه های ناآرامی در مناطق کردنشین بسته شود.



Source:(Ministry of Economy,2014:9)

نمودار شماره ی ۴. سرانه‌ی تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه‌ی ملی ۲۰۰۱-۲۰۱۲ م (هزار دلار)



Source:(Ministry of Economy,2014:25)

نمودار شماره ی ۵. سهم ترکیه در صادرات کالای جهان ۲۰۰۷-۲۰۱۲ م (درصد)



جدول شماره ی ۱. صادرات ترکیه طی سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ م (میلیارد دلار)

Year	Exports
2003	47
2004	63
2005	73
2006	85
2007	107
2008	132
2009	102
2010	113
2011	134
2012	152
2013	151

Source: (<http://www.tuik.gov.tr>)

## نتیجه‌گیری

با توجه به تحولات عمده‌ی رخ داده ناشی از عصر جهانی‌شدن در نظام بین‌الملل و تبدیل عناصر ملموس قدرت به مولفه‌های نرم، نیمه سخت و انتزاعی از قبیل عناصر فرهنگی، روان‌شناختی و عناصر بین‌الذهانی، دیپلماسی اقتصادی وارد دستور کار کشورهای شده است که با تعیین دقیق هدف خود، خواهان رسیدن به رشد و توسعه هستند. رشد روزافزون بازی‌گران غیردولتی در دوره‌ی وابستگی متقابل به‌ویژه در عرصه‌ی اقتصادی از جمله شرکت‌های چندملیتی چه در عرصه‌ی داخلی و چه در سطح کلان و نظام بین‌الملل کشورهای را که از فرآیند توسعه عقب مانده‌اند، با چالش مواجه کرده است. ترکیه نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و نخبگان جدید این کشور به این مسأله پی برده‌اند که به جای این که منتظر فرصت‌ها باشند، خود فرصت‌ها را به وجود بیاورند.

رشد و توسعه‌ی اقتصادی ترکیه در سال‌های پس از به قدرت رسیدن دولت اردوغان در ابتدای سال ۲۰۰۳م مرهون تحول گفتمانی مربوط به نخبگان جدید، اقدامات متعدد و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی فعال است که دولت این کشور به فراخور شرایط این کشور و با استفاده از موقعیت بین‌المللی خود به آن دست یافته است. مهم‌ترین وجه دیپلماسی اقتصادی ترکیه در این دوره، نقش دولت در بازاریابی برای بخش خصوصی و اتحادیه‌های اقتصادی بزرگ معروف به «بیرهای آناتولی» در داخل این کشور و نیز جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. به‌کارگیری چهره‌های عمل‌گرا و دانشگاهی، دست‌یابی به اهداف اقتصادی را در سیاست خارجی ممکن کرده است. هدف دولت ترکیه در استراتژی صادرات این کشور، رسیدن به صادرات ۵۰۰ میلیارد دلاری در سال ۲۰۲۳م مصادف با یکصدمین سال تأسیس جمهوری ترکیه بر ویرانه‌های امپراطوری عثمانی، است که این هدفی بسیار مشکل به نظر می‌رسد و دولت همه‌ی امکانات خود را در این زمینه به کار گرفته است.

به فراخور هدف پیش گفته دیپلماسی اقتصادی این کشور دارای استراتژی درازمدت، تعمیق استراتژیک برد قدرت نرم و دیپلماسی چندبعدی در سطح جهان است. اهداف اقتصادی ترکیه انگیزه‌ی همه‌ی تحرکات سیاسی این کشور بوده است. ترافیک سفرهای مقامات دولت ترکیه به کشورهای جهان حاکی از آن است که ارائه‌ی تصویر مثبت از وضعیت ثبات سیاسی و اقتصادی ترکیه، هدف اصلی این مسافرت‌ها بوده است که در طی آن‌ها اغلب با کارفرمایان و صاحبان صنایع کشور میزبان ارتباط برقرار شده و از آن‌ها برای فعالیت در ترکیه دعوت شده است. این نوع بازاریابی در سیاست خارجی ترکیه با موفقیت‌های چشم‌گیر به ویژه در خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین روبه‌رو شده است. به طوری که تعداد سفارت‌خانه‌های ترکیه در آفریقا تا سال ۲۰۱۲ م به ۳۴ و در آمریکای لاتین به ۸ مورد تا سال ۲۰۱۰ م افزایش یافته است.

نتیجه‌ی این پژوهش می‌تواند برای کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بسیار مفید باشد. امروز با توجه به این که ایران با شرایط بین‌المللی دشواری رودرو شده است، استفاده از تجربه‌ی کشورهای که در گذشته‌ی نه‌چندان دور با وضعیت فعلی ایران مواجه بوده‌اند، می‌تواند بسیار موثر باشد. پتانسیل‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در سطح منطقه بعد از تشکیل دولت جدید در تابستان ۱۳۹۲ ه.ش به طرز محسوسی افزایش یافته است و به نظر می‌رسد وزیر خارجه‌ی ایران در مسافرت‌های خود به کشورهای منطقه، گوی سبقت را از وزیر خارجه‌ی ترکیه ربوده است. بحران‌های منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا از سال ۲۰۱۱ م، سیاست خارجی ترکیه در منطقه را با چالش‌هایی جدی مواجه کرده و این چالش تبدیل به فرصتی برای دیپلماسی ایران شده است که اگر به درستی مدیریت شود منجر به افزایش همکاری‌های همه‌جانبه به‌ویژه در بخش‌های اقتصادی و امنیتی خواهد شد. در نهایت پیشنهاداتی برای ارتقای دیپلماسی اقتصادی ایران ارائه می‌شود:

- تغییر ذهنیت دیگر کشورها با تلاش مسئولین، به خصوص وزارت امور خارجه جهت آوردن سرمایه و تکنولوژی به کشور؛
- هماهنگی قوای سه گانه‌ی کشور درباره‌ی این محور؛
- سنجش دقیق اهداف و بازارهای خارجی توسط دستگاه دیپلماسی کشور؛
- واگذاری واقعی نهادهای تجاری دولتی به بخش خصوصی و کمک دولت به آنها برای ورود به تجارت بین‌الملل؛
- کاستن بوروکراسی فراگیر در زمینه‌ی تجارت خارجی؛
- رفع انحصار تجارت باخارج (واردات و صادرات) توسط دانه درشت‌ها؛
- ایجاد مراکز رقابتی برای تشویق صادرات در استان‌های کشور؛
- تلاش برای ورود به سازمان‌های اقتصادی جهانی به ویژه سازمان تجارت جهانی؛
- تلاش برای جذب ایرانیان مقیم خارج جهت سرمایه‌گذاری در داخل؛
- در نهایت تلاش برای کاهش حساسیت‌های بین‌المللی به کشورمان.

## منابع

شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، «سیاست بین‌الملل»، ترجمه سیدجلال فیروزآبادی، موسسه‌ی مطالعات راهبردی.

فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۸۳)، «توسعه‌ی کشور نیازمند دیپلماسی اقتصادی است»، نشریه‌ی اقتصاد، شماره ۶.

موسوی شفقانی، سیدمسعود (۱۳۸۶)، «دیپلماسی اقتصادی، ابزار نوین سیاست خارجی در عصر جهانی شدن»، پژوهشنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶  
مجمع جهانی توسعه صادرات (۱۳۸۸)، «استراتژی ملی توسعه صادرات ترکیه در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۶»، ترجمه محمد علمی.

Atlı, Altay (2011), "Businessmen and Turkey's Foreign Policy", *Policy Brief*, International Policy and Leadership Institute.

Davutoğlu, Ahmet (2001), "Stratejik Derinlik Türkiye'nin Uluslararası Konumu", Küre Yayınları.

Davutoğlu, Ahmet (2009), "Our strategic partnership a model for regional cooperation", published in Nine o'Clock, 29 Oct 2009, available at: <http://www.mfa.gov.tr/article-by-h e -ahmet-davutoglu-published-in-nine-o-clock-and-adevarul-newspapers-romania -on-29-10-2009.en.mfa>

Davutoğlu, Ahmet (2013), "Speech Delivered in the University of London School of Economics and Political Science", available at: <http://www.mfa.gov.tr/speech-delivered-by-h e -ahmet-davutoglu -minister-of-foreign-affairs-of-turkey -in-the-university-of-london-school-of-economics.en.mfa>

Herzog, Mark (2009), "FPC Briefing: Turkey's new foreign minister, Foreign Policy Centre", available at: <http://fpc.org.uk/fsblob/1082.pdf>

Kaplan, Yılmaz (2011), "Turkey's Foreign Policy in the AKP Era: Has There Really Been a Change?", available at: <http://www.iraninfo.com/2011/08/22/turkey%E2%80%99s-foreign-policy-in-the-akp-era-has-there-really-been-a-change-2/>

Kırışçı, Kemal (2009), "The transformation of Turkish foreign policy: The rise of the trading state", in *New Perspectives on Turkey*, no. 40, pp 29-57.

Kutlay, Mustafa (2011), "Economy as the 'Practical Hand' of 'New Turkish Foreign Policy': A Political Economy Explanation", *Insight Turkey* Vol. 13 / No. 1, pp. 67-88.

- Ministry of Economy (2014). "Economic Outlook", available at:  
[http://www.economy.gov.tr/files/economic\\_outlook.ppt](http://www.economy.gov.tr/files/economic_outlook.ppt)
- Moons, Selwyn (2009), "What's Economic Diplomacy", available at:  
[www.economicsanddiplomacy.blogspot.co.uk](http://www.economicsanddiplomacy.blogspot.co.uk)
- Murinson, Alexander (2006), "The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign Policy", Middle Eastern Studies, Vol. 42, No. 6, pp 945-964.
- N. Grigoriadis, Ioannis (2010), "The Davutoğlu Doctrine and Turkish Foreign Policy", ELIAMEP, Working Paper Nr 8/2010
- Ogurtcu, Mehmet & Raymond, Saner (2007), "Fine -Tuning Turkey's economic diplomacy in support of its EU accession process", Prepared for submission to ICCEES Regional European Congress, Berlin ,2-4 August.
- Ögürtücü Mehmet & Raymond & Saner (2008), "Fine-tuning Turkey's economic diplomacy", EurasiaCritic Magazine.
- Salarich, Jose' Eugenio (2001), "Economic Diplomacy as focus of Spanish Foreign Policy", Miradas, No17.
- SIPA (2012), "Exploring Public and Economic Diplomacy", University Caystone Project Final Report.
- Sönmez, Mustafa, (2013), "Turkey at the bottom rung of ladder in investments abroad", Hürriyet Daily News , retrieved at June 8 2013, available at:  
<http://www.hurriyetdailynews.com/turkey-at-the-bottom-rung-of-ladder-in-investments-abroad.aspx?pageID=238&nID=48409&NewsCatID=344>
- T.C. Kalkınma Bakanlığı (2011), "Türkiye Sürdürülebilir Kalkınma Raporu: Geleceği Sahiplenmek 2012", available at:  
<http://www.surdurulebilirKalkinma.gov.tr/DocObjects/View/14223/SurdurulebilirKalkinmaEnIyiUygulamalari2012.pdf>
- The Economist, 15,11,2007, available at:  
<http://www.economist.com/node/10146653>
- Vallee, Shahin, Turkey's Economic and Financial Diplomacy, Turkish Policy Quarterly, volume 9, number 4.
- BBC Türkçe,(2013), '30 yıllık savaşın sonu geliyor', retrieved at march 22 2013, available at: [http://www.bbc.co.uk/turkce/cep/haberler/2013/03/130322\\_ocalan\\_ingiliz\\_basini.shtml](http://www.bbc.co.uk/turkce/cep/haberler/2013/03/130322_ocalan_ingiliz_basini.shtml)
- <http://www.invest.gov.tr/en-US/infocenter/news/Pages/240214-turkey-fdi-2013-usd-12.7-billion.aspx>
- <http://blog.tcp.gov.tr/index.php/2014/02/turkey-receives-usd-12-7-billion-fdi-in-2013/>
- <http://www.economy.gov.tr/index.cfm?sayfa=tradeagreements&bolum=>
- <http://www.worldfinance.com/strategy/turkeys-foreign-direct-investment-market>

[http://www.trtpersian.com/trtworld/fa/newsDetail.aspx?HaberKodu= b2e7a840-b133-4717-bfa1-41acfc86847](http://www.trtpersian.com/trtworld/fa/newsDetail.aspx?HaberKodu=b2e7a840-b133-4717-bfa1-41acfc86847)  
<http://www.basbakanlik.gov.tr/yurtdisiziyaret/>  
<http://www.cnnturk.com/2013/ekonomi/genel/08/14/turkiye.son.10.yilda.gelirini.3e>  
<http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/BANCOMUNDIAL/NEWSSPANISH/0,,contentMDK:21685466~pagePK:64257043~piPK:437376~theSitePK:1074568,00.html>  
[http://www.zaman.com.tr/dunya\\_kafkas-platformu-teklifine-mac-davetine-icabet-sarti\\_730603.html](http://www.zaman.com.tr/dunya_kafkas-platformu-teklifine-mac-davetine-icabet-sarti_730603.html)  
<http://www.turkkon.org/eng/icerik.php?no=29>  
<http://www.turk-pa.org/news.php?id=150&lang=en>  
<http://www.tika.gov.tr/>  
<http://www.tuik.gov.tr>  
<http://www.mfa.gov.tr>